

دیباچه

سپاس آفریننده گردان سپهر را که ماه و مهر را بر چهره مینای زیبای ان بسان دو عقربه صفحه ساعت نما، معیار معرفت سمت قبله و آیت کسب و کار و میزان ماه و سال و تاریخ روزگار گردانیده است.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (يونس 7)

و دراری درودش بر فرستادگانش بویژه بر خاتم پیمبران و دودمانش که شاخص بی مثال و بی زوال افق اعلاى كعبه جمال و جلال اویند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا
وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب 47)

و بر همه یاوران و پیروانشان که ثوابت و سیارات فروزان آسمان دانش و بینش اند
وعلامات و بالنجم هم یهدون (نحل 17).

و بعد همی گوید حسن حسن زاده املی که این کتاب مستطاب دروسی در دانش گرانقدر هیئت و دیگر رشته های ارزشمند ریاضی است که هر دانشمند دینی را بدان نیاز است ازیرا که بیانگر آیات و روایات وقت و قبله و هلال است و دستور استوار خط سمت قبله و اعتدال و زوال .

علاوه این که حاوی معارفی است که ینابیع اب حیاتند و حائز مطالبی که مصاییح فرا راه وادی ظلمات.

تدریس آن در جمع پریشانی به روزهای پنجشنبه و جمعه سال تحصیلی حوزه علمی قم اختصاص یافت ، چنان که تصنیف آن نیز همزمان تدریس در پنج شنبه بیستم محرم 1407=1365/7/3 ه.ش آغاز گردید امید است که به تایید و توفیق الهی بدان شیوه شایسته و روش بایسته که خواسته نگارنده است انجام یابد ، بار خدا اینچنین بادا

توضیح استاد

دیباچه که کلمه (چه) از اعداد تصغیر است
دیباچه یک متن کوتاه و مقدمه مانندی که بیان تمام موضوعات آینده یک کتاب باشد انگار که کل مطالب کتاب را تلخیص کردیم ، خلاصه کردیم و به تعبیر متعارف به یک کتابچه درآوردیم. که هم کلمه دیبا در آن به کار رفته و هم کلمه چه دیبا = چیز با ارزش

کلمه (چه) = از اعداد تصغیری است

{سپاس آفریننده گردان سپهر را که ماه و مهر را بر چهره مینای زیبای آن بسان دو عقربه صفحه ساعت نما ، معیار معرفت سمت قبله و ایت کسب و کار و میزان ماه و سال و تاریخ روزگار گردانیده است.}

تمام کلمات در جمله اول همه به منزله براعت استهلال است و حکایت از موضوعاتی است که در مباحث آینده بحث میشود که حرف از گردان سپهر به میان آمد که در جلسه قبل هم گفتیم دروس هیئت در مورد کم متصل که متحرک است حرف میزند پس دائما در این بحث در حرکتیم و هیچگاه بی حرکت نیستیم یا باید در آسمان حرکت کنیم یا در زمین کلمه سپهر هم از نکات خوب و فصیح فارسی است ، فارسی قدما که اسم آسمان را تعبیر به سپهر میکنند

ماه و مهر که همان افتاب و ماه هستند که به عنوان دو ستاره شاخصی که ما در این بحث ها و استخراجات هیویی بیشترین موارد استخراجی مان تعلق پیدا میکند به امور ماه که مسایل شرعی در ابعاد مختلف ما باید از طریق ماه و حرکت ماه و منازلش و حالت ماه بدست بیاوریم

چه اینکه نماز 5 گانه ما هم متعلق به حرکت افتاب است و حالا حرکت افتاب یعنی چه ؟ که بعدا بحث میشود این دو ستاره در بین ستاره ها شاخص ترین هستند بیشتر باید مدنظر قرار بگیرند

و بیشتر از استخراجات مربوط به امور وقت و قبله و... ما باید از افتاب بدست بیاوریم پس برای ورود ما در استخراجات هیویی بیشتر از ناحیه این دو ستاره است و بخصوص در مورد افتاب و تک تک این کلمات هم که در مقدمه آمده جای بحث دارد و تشبیه فرمودند که افتاب و ماه در رابطه با این چهره زیبا آسمان شبیه دو عقربه ساعت نما را میماند حالا در مباحث آینده خود (صفحه) هم جز مباحث علم هیئت است

ان شا الله که درس های اسطرلاب را دنبال بفرمایید اسطرلاب چندین صفحه دارد که از این صفحات که معروف ترین صفحه ان هم است، صفحه افاقی است

صفحه عنکبوتی داره صفحات دیگر هم داره با تمام پیشرفت های صورت گرفته باز اون آلتی که از قدما به نفع احسنت میتواند کار را انسان باهاش انجام بدهد همین وسیله اسطرلاب است که بعضی کارها را اسطرلاب میتواند انجام بدهد که آلات دیگری که الان اختراع کردند از عهده ان بر نمیاید بهر حال کلمه صفحه یکی از مباحث آینده است

ساعت هم از مباحث مهم آینده است که تقسیم میشود به ساعت مستوی و معوجه که حالا در الان در فهرست نگاه میفرمایید یا در جلد اول است یا جلد دوم

باز همینجور (معیار معرفت سمت و قبله) روی کلمه معیار در آینده

حرف خواهیم داشت و کلمه (معرفت , سمت و قبله) اینها مشخص است که اهداف کار هست که چرا این کتاب و این رشته را طی میکنیم و چه ضرورتی دارد؟

به خاطر اینکه در بیشتر علوم ما نیازمند طی کردن علم هیئت و نجوم هستیم بخصوص بشر هیچگاه از قضیه ستاره ها نمی تواند چشم پوشی کند و اگر هم بخواهد حرکات مضبوط کند و احکام حرکات ستارگان را پیاده کند حتما نیازمند به علم هیئت است تا بتواند به استخراجات احکام هیویی از اشکال هندسی و فضای بتواند احکام مربوط به تاثیر و تاثرات ستارگان و کل زمین را بدست آورد

ولذا اینها به منزله اهداف این علم است که علم را در رابطه با چه اموری میخواهیم؟ در رابطه با سمت و قبله میخواهیم؟ خداوند ماه و افتاب را برای {معیار معرفت سمت و قبله و آیتی (نشانه) برای کسب و کار و میزان ماه و سال و تاریخ روزگار گردانیده است}

الان تمام این کلمات را که میبینید جز مباحث دروس هیئت و راجع به ماه و سال و.. که ایه شریفه

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

که خدامتعال افتاب را به عنوان ضیاء قرار داد و قمر را به عنوان نور قرار داد که حالا بحث تفسیری هم دارد که ما بیشتر اینجا جنبه هیویی و نجومیش را مشاهده میکنیم

وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ که یکی از مباحث علم نجوم که در مورد منازل ماه است که 28 منزل برای او در نظر گرفته شد که خداوند این منازل را تقدیر فرمود که لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ که شما بتوانید تعداد سالها را طبق ماه داشته باشید

{و دراری درودش بر فرستادگانش بویژه بر خاتم پیمبران و دودمانش که شاخص بی مثال و بی زوال افق اعلائی کعبه جمال و جلال اویند}

و کلمات (دراری) از براعت استهلال هست معلومه که یکی از بحث های که در علم نجوم و هیئت اقا یون فرمودند مربوط به ستارگان نور دار است

بین ذرها ان ذرهای خیلی ناب و درخشان را ازش تعبیر به دراری میشود و نه تنها یک ذر بلکه ذرهای فراوان است انوار و نور ستارگان را از بدر اول تا بدره تقسیم بندی فرمودند که این بدرها طبق نور ستارگان است که بشر با چشم طبیعی مشاهده بکند و بعد از این ناحیه میتواند به خیلی از اطلاعات در مورد گذشتگان و هم آیندگان دست یابد

کانهو چهره آسمان خودش یک چهره اسطرلابی است چطور با اسطرلاب که آلتی است. برای بدست آوردن انواع و اقسام اموری که نیازمندش هستید شبیه ارتفاعات و امثال اینها در قضیه آسمان همینطور است

انگار چهره آسمان یک دوربین عکاسی الهی است که میشود هر چه گذشت را مطالعه کنید و نسبت به آنچه میاید هم مطالعه کنید این بحثهای لطیفی است و ثمره دارد در فهم مسایل دینی و در تفسیر آیات و روایات

یکی از چیزهای که بیشتر در ذهن ما بیشتر خودش را نشان میدهد در بحث های معاد و زلزله و... چقدر ما فهم های عجیب و غریبی از این گونه مسائل داریم یا در بحث زمین و بر پایی قیامت کتاب های اصول عقاید در بین علمای ما بحث های فروانی راجع به این مسائل شده است بخصوص معاد جسمانی که یکی از مسائل بحث برانگیز در معارف [ماست. مخالف](#) دارد موافق دارد و نظریات گوناگون مطرح شد یک نظریه کلامی بیشتر مطرح است که این نظریه کلامی چون این همه آیات در قران حدود 276 بار در قران کلمه سما آمد بیش از 450 بار در قران کلمه ارض آمد که به ان زمین میگویم

این ارض را چه معنا کنیم؟

و شوخی هم نیست 450 جا این کلمه آمده است و دیروز هم به عرض رساندیم که انیشتن یک متن 17 صفحه ای مینویسد و [3770](#)

جلد کتاب از آن شرح میکند

ما یک متن عظیم قران داریم و میگوییم علم اولین و آخرین در این کتاب است. این حرفا رو میزنیم دیگه، نه؟!خب باید یه جوری حلش کنیم، میان میپرسند که این علم کو و کجاست؟

این همه رشته های دانشگاهی که در دانشگاهها پیدا شده در سطح جهان در قران است؟ تازه علومی که در این مقطع ما هستیم و اینقدر شاید علوم در طول تاریخ بود که ان علوم و کتاب ها از بین رفته و به دست ما نرسیده و شما میگوید تمام علوم اولین و از این به بعد چقدر استکشافات بشر دارند اینا همه در قران آمده؟ یا حرفش را نزنید یا اگر میزنید بیایم ببینیم که چه خبر است که ابن مسعود میگوید من اراد العلم الاولین و الاخرین فلیثور القران. که اگر کسی میخواد علم اولین و آخرین را بدست بیاورد قران را ثور کند یعنی شخم بزند

بعد میبینیم در قران 450 بار کلمه زمین آمده این زمین را چطور معنا کنیم؟ کره بگیریم؟ سطح بگیریم؟ مادی معنا کنیم؟ مثالی معنا کنیم؟

و همینجور آیات و مباحث دیگر و خیلی این مباحث زیر بنایی است خب اگر ما فرض در این مسیر بحثمان به این برسیم که کلمه ارضی که اقایون هیئت میگویند با ارض و زمینی که در قران است فرق میکند و یکی از درس های جلد اول ما مربوط به همین است پس اگر فرق میکند ما این همه منبرها رفتیم و در مورد آیات اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا چطور حل کنیم؟ کدام کسی هست که بالای منبر راجع به سوره زلزال بحث کرده این کلمه ارض را چه معنا کرد؟ تازه شما شب و روز دارید قران تلاوت میکنید این ایه الذي جعل لكم الأرض فراشاً والسماء بناء، اینا را چی معنا کنیم؟ مفسرین چی معنا کردند؟ آیا معنا کردند توانستند از عهده درست ان بر بیایند؟ یا فرضاً گوشه های از ایه را شاید توانستند بهش برسند؟ میبینید که بحث ها خیلی بحث مبنایی میشود همان بحثی که دیروز به عرض رسانیدم که اگر قرار باشد بعد

نامتناهی باشد و شما در کلمه زمین بیاید فقط به یک کره زمین بسنده بفرمایید و بعد قیامت را طبق همین مقدار فهم پیاده کنید یکدفعه علم جدید میاید که میلیاردها به توان میلیارد زمین کشف کرده باشد

سوال برای جوامع بشری پیش نمیاید که این قیامتی که شما میگوید در چه حدی هست؟ این قیامت شامل زمین های دیگر هم میشود یا نمیشود؟

یا فقط شامل همین یکدانه کره زمین میشود؟

اگر شامل انها میشود چه ربطی دارد به اعمال ما؟ ما اینجا هستیم حالا گناه میکنیم و بد و خوب میکنیم ، اینجایم. اگر علم بیاید کشف بکند که به غیر از این یک کره زمین ، میلیاردها کره زمین دیگر هم هست اونوقت چهارتا خطا و اشتباه من و تو چه ربطی به اونها دارد تا منهدم شوند؟ پس ظاهراً یک حرف زدن و یک منبر رفتن راحت هست اما وقتی وارد وادی علم میشوی چون عالم و دانشمندان عالم هیچگاه خاموش نمیشوند، من و شما هم حق نداریم که دین اسلام خود را جوری معرفی کنیم و بعد فردا یک استکشاف علمی پیش میاید و... اینها

مثلا میایم در کتاب های تاریخی و میبینیم حضرت ادم برای چند هزار سال قبل هست؟ مثلاً ده هزار سال، خب یک دفعه علم میاد و یک جسدی را کشف میکنند بر اساس مباحثات علمیه که عالم علم است و ما نمیتوانیم استکشاف ها را منتفی کنیم پس اینطوری باشه خداوند میفرماید در این عالم فکر کنید تعقل کنید تدبر کنید پس چطور تعقل کنیم؟ ما تعقل کردیم و تمام دانشمندان زیست شناسی و چه و چه... آمدند و گفتند این پیکری که پیدا شده. برای یک میلیون سال قبل هست حالا ما اصرار بورزیم و بگویم حالا یک میلیون نه. و کمتر کنید و میان میگویند جسد حیوان پیدا کردیم برای پنج میلیارد سال قبل، مثلاً علم همچین چیزهای ارائه میدهد حالا پنج میلیارد نباشد پنج میلیون که میشود اگر پنج میلیون باشد بحث رتق و فتق که از چندین هزار سال دانشمندان در رصد خانه ها دارند رصد میکنند که رتق و فتق که یک بحث علمی هست

و آخرین بار دانشمندان فرانسه نظریات عجیبی در مورد ان دادند
خب سوال! شما میگویند امام زمان فردا بیاید و پس فرداش قیامت
برقرار شود و کل عالم هم باید طبق قیامت منفجر بشه إِذَا السَّمَاءُ
انْفَطَرَتْ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ... و اسلام را در همین فهم عادی
عوامی معنا کنیم و این همه استکشافات علمی را چکار کنید؟
عنایت میفرمایید؟! بحث ها بحث های کلیدیست , بحث های که
دانشمندان میابند در میدان علم و نظریات علمی میدهند و
فرضیه علمیشان را با ازمون های دقیق تبدیل میکنند به نظریه
علمی.

و تو بگویی , نه, کسی که به خدا ایمان نداشته باشد و به ولایت
امیرالمومنین اعتقاد نداشته باشد این به هیچ وجه خبر از غیب پیدا
نمیکند ولی میبینید یکدفعه مرتاضی هم هستن

که به ما گفتن پارسال بعضی از این مرتاض ها حدود 40 سال,
50 سال, 30 سال, 35 سال, 60 سال بالای یک درخت زندگی میکند و
بعد هم برید پیش او تا چشمش به تو بیافتد به تعبیری هفتاد جد
تو رو اسم میبرد و یک داستانی برایم نقل شد که برایم جالب بود.
گفتند یه عده ای رفته بودند هند و پیش یکی از این مرتاض ها ,
یکی از اینها که اونجا تشریف برده بود خادم حرم امام رضا بود
خلاصه اون مرتاض یک نوع غذایی داشت میخورد و این خادم
کمی اشمئزاز پیدا کرد و رفت عقب و مرتاض گفت بیا جلو این را
میخورم بهتر از اینکه مال امام رضا را بخورم

طرف جا خورد و یعنی خادم امام رضا هستی و مال و اموال امام
رضا را میخوری و من این غذا را میخورم بهتر است برایم تا مال
امام رضا را بخورم

هند کجا و امام رضا کجا

پس همیشه و شما نمیتونید و ما این کارها رو کردیم که علم و دین
گفتند ارتباط ندارد همین بحث ها در سطح جهان مطرح شده است
که دین از علم جداست , دین یه حرفهای رو میزند که شما یا باید
تبعیدی بپذیری یا اگر نمیخواهی متعبد شوی بدان که علم با دین در
تعارض است الان این 8 سوال که بین علم و دین تعارض است یا

نیست؟ که دکتر گلشنی، یادم هست ان سال خیلی این بحث فراگیر شده بود در دانشگاه های درون و بیرون کشور که همین 8 سوال باعث شد که رساله رابطه علم و دین را اقا بنویسند و جواب سوالاتشان باشد که بین علم و دین تعارضی نیست، این بحث های مبنای است و بحثی نیست که بگویم امروز مطرح است، بحثی است که در دایره اسلام ما از همان صدر اسلام مطرح شد و در زمان ائمه هم مطرح شد که ان شا الله روایاتی که برسیم در اسرار خلقت و اینا معلوم خواهد شد تقریباً درس 8 یا 10 یا 12 که همون اول حدیث امام رضا هست که راجع به طالع عالم حرف میزند و فرمایشاتی دارد غرض اینها از بحث های آینده است

دراری هم بحث های آینده است و (شاخص بی مثال و بی زوال) که دارد {پیمبران و دودمانش که (اهل بیت را به عنوان) شاخص بی مثال و بی زوال افق اعلائی کعبه جمال و جلال اویند}

جوری کلمات را اقا در تشبیه و تکریم از پیغمبر و اهل بیت آورده که ماه آینده یکی از بحث های ما مربوط به شاخص است و یکی از بحث ها مربوط به شاخص بی زوال است یعنی شاخصی که زائل میشود از ان سایه و چه بسا شاخصی که از ان سایه زائل نشود (بی زوال، بازوال، افق) که افق از بحث های مهم در آینده است خود کلمه زوال از مسایل بسیار مهمی است که یکی از مشکلات ما شاید در بحث نماز راجع به قبله یابی مان باشد که دقت نداریم و حال اینکه ان شا الله روایات قرائت میشود که اینقدر جهت قبله مهم است که یکی از این اصحاب امام صادق (ابن مسعود است کدامه؟!)) میگوید اگر شما میخواهید به جایی برسید قبله را در نمازتان درست بایستید (این مضمون فرمایشش است) الان شما بروید این شهرها بگردید ببینید چقدر این مسجد قبله اش از مسیر اصلی اش انحراف دارد؟ یک حرفایی عوامی در بین مردم پخش شده که میگویند اینور بخون دیگه. معلوم نیست طرف رو به سوی ترکیه میایستد به سمت کنیا ایستاده!

کجا میایسته اصلاً، بخواهید یک خط زوال درست تشکیل بدهی این جناب رسول الله است که وقتی قبله اش عوض شد از بیت

المقدس به سوی کعبه که اقا دقیقا در مدینه رو به سوی کعبه کردند که گفتند: قبلتی علی المیزاب

الان اینجا که من ایستادم که بعدا اینها را میگویم که یک مثلثی تشکیل میشود

که اگر ووسط ضلع یک مثلث که قاعده ان میشود از ان وسط این قاعده مثلث به ان زاویه مقابل ان ضلع انچنان خط دقیق بگیری قبله رسوالله و برید به سمت کعبه دقیقا به میزاب یعنی ناودان کعبه میخورید چون کعبه هم حجیم است و هر جای کعبه که بخوریم کافیه اما اقا فرمود الان که اینجا ایستادم دقیقا دارم میزاب را نگاه میکنم اون ناودونی که اب باید بیاید و بریزد در حجر اسماعیل انجا را میبینم

ابوریحان بیرونی و دیگران آمدند با مباحثات دقیق ریاضی قبله مسجد مدینه رسوالله را اندازه گرفتند دیدن دقیقا به خود میزاب میخورد حالا نه اینکه اینور و اونور بخورد اشتباه است میخواهد بگوید الان من اینجا ایستاده ام دقیقا نقطه مقابل چشم من به کدام قسمت کعبه برخورد میکند چرا اقا اینهمه دقیق است؟خب میگفت همینطوری اینور بخونید دیگه, اینور بیت المقدس بود و الان جبرئیل نازل شد و گفت اینوری بخونید همینطور هر دمبیلی, اینطور نیست که اقا میگن قبلتی علی المیزاب و لذا بنده از نتایجی که ازین درس ها گرفتم که ما بس که در نمازهامون بیحال هستیم و نماز ما روح ندارد برای این هست که قبله ما درست نیست و ما درست رو به کعبه نایستادیم

اقا از اینجا تا کعبه دو سه هزار کیلومتر راهه اخه ما چطوری بتونیم؟مرد حسابی الان موشک میسازن میفرستن از اینجا به فلان نقطه, قاره امریکا یا افریقا یا...فلان شهر و فلان کوچه فلان خونه و فلان طبقه فرو برود

عالم, علم ریاضی هست عالم خلق است و خلق یعنی ریاضیات خلق یعنی هندسه واندازه و همه چیز بر روی حساب است اینجا میبینی یک مثلا موجی یا امواجی را میفرستد که الان ما امواجی داریم که بین ان نور معروف شد که هر ثانیه 300 هزار کیلومتر راه

میرود، نه! امواجی داریم که در هر ثانیه میلیارد ها کیلومتر راه
میرود این امواج را میفرستند و امواج میرود و برای او خبر
میاورد این امواج را جهت میدهد و هوشمندش میکند که تو برو و
در این فضا بگرد و برای ما کهکشانشان پیدا کن و برگرد، میرود و
برمیگردد (مثل یک پیک) نظام هستی خلق است و انکه افریده
است (هو الذی) او (هو) است و همه جا ان (هو) است این هست
که این حقایق ما را به وحدت وجود هم نزدیک میکند که ببینید
این همه لطایف قران را جز از این راه ها نمیتوانید حل کنید و لذا
دقیق بشوید و لطف بفرماید .

و بعضی از چیزها هست که الان نمیتوانم برایتان بگویم چون
متأسفانه ما در این جلسات تجربه ای که داریم ظرفیت ها کم
هست و ما کمتر دنبال این هستیم که علم تحصیل کنیم بزاریم اون
علم ما را شکوفا کند و فهم برسیم، انسان یعنی چی؟ ای برادر تو
همان اندیشه ای... تو اصلا فهمی، بفهمم. هر درسی را شروع
میکنیم میبینیم دو روز بعدش یه جا خبر میارند فلانی کلاس
شروع کرد، خب چی خوانده که کلاس تشکیل داده؟
والا ما جانمون به لب اومد تا تونستیم اینها را زیر و رو کنیم و تو
یه جلسه و دو جلسه اومدی کی استاد شدی؟ گیریم از دست
شما، از شما گله دارم، برادرا و خواهرها من از شما گله دارم، من از
بیگانگان هرگز ننالیم که با من هر چه کرد این آشنا کرد، همین
شما، حوصله داشته باشید و باید تحقیق کنید و محقق بشوید و باید
بنشینید و باید فکر کنید غربی ها نشستند و محصلین و جوانانشان
نشستند عقل به کار آوردند و دارند فکر میکنند و نتیجه میگیرند
عنایت میفرمایید؟ ما معمولا اهل تفکر نیستیم و خیلی زود
میخواهیم عناوین کسب کنیم و عناوین به کار ما نماید

{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ
وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب 47)}

که حالا بحثی که دیروز در مورد آیات گفتیم طرح بحث میشود

{و بر همه یاران و یاوران و پیروانشان که ثوابت و سیارات فروزان
اسمان دانش و بینش اند }

دو تا کلمه ثوابت و سیارات که براعت استهلال است و بحث پیروی
و یاران هم هست که در مبحث صور کواکب مطرح میشود
{وعلامات و بالنجم هم یهتدون (نحل 17) } و بحث داریم راجع به
علامت ها و این دیگه خیلی شاخص هست که به وسیله نجم
راهشون را پیدا میکنند

{و همین گوید حسن حسن زاده املی که این کتاب مستطاب
دروسی در دانش گرانقدر هیئت و دیگر رشته های ارزشمند ریاضی
است که هر دانشمند دینی را بدان نیاز است } که حتما طلبه باید
اینها را بخواند ما بسیاری از این فتاوی ها رو میبینیم که چون
صاحب فتوا در این امور دستی نداشتند همیطور یه چیزای فتوا
داده است خیلی فتاوی های گوناگون حتی افرادی مهم که چون
دستی نداشته درست از عهده فتوا بر نیامده حتما یک مجتهدی که
میخواهد در تمام مسایل شرعی و اجتماعی جواب سوالات را بدهد
به یک تعبیر در مطلق علوم باید نظر داشته باشد در مطلق علوم.
هر علمی را نداشته باشد سوالی اگه پیش بیاد که به اون علم
مربوط باشد این آقای مجتهد و فتوا دهنده دستش کوتاست و لذا
این بحث را در حوزه های علمیه از قدیم بزرگان ما با این آقایان
داشتند متاسفانه کوتاه نظری ها نگذاشتند.

{ازیرا} که ازیرا در اصل همان کلمه زیرا است که فارسی اصیل ان
ازیرا میشود که الف را انداختیم و کلمه زیرا را استفاده میکنیم که
جنبه تعلیلی دارد

{ازیرا که بیانگر آیات و روایات وقت و قبله و هلال است }
وقت، قبله، هلال از مباحث آینده است و از مباحث بسیار مهم است
{و دستور استوار خط سمت قبله} خط سمت قبله عنایت بفرماید
به عرض رساندیم که ما داریم نماز میخوانیم باید رو به سوی قبله
بایستیم یا خط سمت قبله را تعیین کنیم؟

معمولا از قدما میگویند میخواهید مسجد بسازید یکی بیاورید و
قبله مسجد را تعیین کند این الان اقا در عبارت دارد عنایت داشته

باشید

{و دستور استوار خط سمت قبله} که حالا یک شخص را در نظر بگیرید که در نماز هست و دو پایش را دو نقطه و سجده گاه یک نقطه قرار دهیم و این نقاط را وصل کنیم میشود یک مثلث با سه ضلع این مثلث اگر قاعده آن را این ضلعی بگیریم که نقاط اتصال دو پا یا دو دست یا دو زانو فرد باشد که سه مثلث میشود کشید

1_ بین دو دست و سجده گاه

2_ بین دو ساق پا و نقطه سجده او

3_ بین دو کف پا یا دو انگشت شصت فرد با سجده گاه

اگر این ضلع بین دو قدم یا ساق یا کف دست اگر قاعده مثلث قرار دهید باید وسط قاعده را استخراج کنید با تمام دقت به اون نقطه محل سجده گاه که اگر جایگاه پیشانی را به یک دایره ای بخواهیم در نظر بگیریم باید مرکز آن دایره را استخراج کنید و از این نقطه به اون نقطه و به سمت هدف سوم یعنی کعبه وصل کنیم مثل تفنگ را چطور نشانه مگیرید که از نوک مگسک نگاه میکنید و میروید به طرف خال سیاه و میبینید یک شیار اینجا دارد و یک خال مگسک هم آنجا دارد و شیار را با نوک مگسک هماهنگ میکنید و نقطه سوم هدف شماست

و آنچه تماماً مهم است هماهنگی بین شیار و مگسک است اگر این دو را اگر درست تنظیم کنید هدف زدن آن تقریباً قطعی است و اینجا هم کعبه میشود نقطه ثالث و وسط قاعده نقطه اول و مرکز سجده گاه نقطه دوم اگر نقطه اول به دوم را یک خط مستقیم رسم کنید و این خط امتداد پیدا کند و بخورد به کعبه به این میگوییم خط سمت قبله.

حالا برای این چقدر باید استخراج کنی و یه نفر بگوید اصلاً چرا مثلث و من قبول ندارم، باید بروید علم هندسه و اثبات کنید مثلث و ضلع و قاعده و استخراجاتش را دنبال بفرماید تا اینکه تازه بیایی یک خط قبله درست کنید

این که الان شما 95% از مساجد بروید محرابشان خط قبله صحیح

ندارند

تقریباً ما نمازهامون خط سمت قبله نداره

بله! به یک معنا سمت قبله داره که سمت یعنی اینور و حالا دیگه پشت به قبله و چپ... قبله نماز نمیخوانیم و اما همین سمت یا جهت اینور که میخوانیم کشورها هستند فراوان، در مسجد الحرام شب بود و یک بنده خدا داشت نماز میخوند و من پشت سرش ایستاده بودم و خود را یک خط قرار دادم و ایشان رو هم یک خط قرار دادم و خط سوم کعبه باشد که دیدم ایشان چند متر از این جدار سمت رکن یمانی به بیرون کعبه دارد نماز میخواند

گفتیم کعبه به این بزرگی روبه روتون هست چرا رو بهش نماز نمی خوانی؟ خندم گرفت گفتم چی بهش بگم؟

یعنی این حاجی که دارد رو به رو کعبه نماز میخونه چند متر خطا دارد حالا یکی که اینقدر فاصله داره چطور بخونه هیچ وقت نمیتونه خط سمت کعبه رو درست کنه {و دستور استوار خط سمت قبله و اعتدال و زوال} خط اعتدال و خط زوال که جز دروس آینده است

{علاوه بر این که حاوی معارفی است که ینابیع اب حیاتند} و حالا چقدر بحث های مهم و این مباحث هندسی و هیوایی پیدا میشود و بسیار اصول عقاید ما باید اینجا معنا بشود من جمله معاد و قیامت {و حائز مطالبی که مصابیح فراراه وادی ظلمات است} و مابقی را نگاه بیندازید که در سال 65 شروع شد که ما از عملیات کربلا 5 و 4 که برگشتیم که قبل میرفتیم هنوز دروس هیئت شروع نشده بود که برگشتیم یکی از دوستان گفت که دروس هیئت اقا شروع شده و ما اومدیم وارد بحث شدیم.

خب از اینجا یک بحثی را مطرح کنیم که میخواهیم وارد درس اول بشویم

اگر تشریح الافلاک. شیخ بهایی را داشته باشید و پیدا کردید اون متن عربیش اولین بحثی که مرحوم شیخ بهایی مطرح کرد در تشریح الافلاک همین بحثی هست که میخوام به عرضتون برسونم

که چون ما اولین درس درس هیئت که می‌خواهیم وارد بشیم این درس راجع به قطر و دایره عظیمه و دایره صغیره و مربوط به کره است

و اولین جمله درس اول که کره بر نفس خود حرکت کند یا فرض حرکت او بشود... و بحث از همینجا شروع میشود و از این کلمه اولین کلمه درس ما از چی شروع میشه؟ (چون کره بر نفس خود حرکت کند) پس معلوم میشود که ما بحث سطح مستوی نداریم چون مهمترین بحث ما پیرامون حرکت است و باید دنبال حرکت بگردیم که موضوع علم هیئت کم متصل متحرک هست نه ساکن پس کار ما حرکتی هست و ما دائما باید در حرکت باشیم

و از سوی هم میدانیم که در دروس هیئت اگر براهین ریاضی را پیاده کنیم ما نیاز به مثلثات و اشکال هندسی داریم در صورتی که اشکال هندسه تا این نقطه با هیئت مشترک است که کم متصل هست اما این متحرک و ان ساکن است خب از یک طرف موضوع بحث ما علم هیئت است و بحث های که ما داریم همش کرات در حال حرکت است و ما هیچ کره ای بدون حرکت نداریم حتی کره زمین که معروف است این به حرکت وضعی و انتقالی و حداقلش است.ستارگان ثوابت هم که باز هم در کندی حرکتشان معروف شدند به ثابت وگرنه ما اصلا ثابت نداریم و تمام در حال حرکتند و همه اینها را که ما مشاهده میکنیم همه کروی شکل اند افتاب کروی است ماه کروی هست و خود زمین کروی است و دیگر کرات و سیارات و ثوابت و... همه کروی هستند پس ما دو بحث مهم در این فضا داریم

1_ بحث لفظ کرویت

2_ چه رابطه ای درست کنیم که در علم هیئت و هندسه که این

متحرک و ان یکی موضوعش ساکن است

پس ما لابد در علم هیئت نیازمند به یک بحث ساکن هم هستیم

یعنی ضمن اینکه همه در واقع در حرکتند اما کانهو یک فرضیه

ثبات هم میخواهیم که تا بتوانیم در این مسیر در اثبات مسایل

علم هیئت روی مبانی برهانی از مثلثات در علم هندسه چه مثلثات در سطح مستوی و چه در سطح مستدیر هر دو بخش اش استفاده کنیم و لذا به یک تعبیری ما یک نقطه ثابت هم میخواهیم چرا؟ باز تکرار میکنم شما دقت بفرمایید این بحث ها تقریباً در مسایل ریاضیات متعارف عمومی اینها مطرح نشده علت اصلیش بر میگردد به این گونه لطایف که ان شا الله بعدها در مسیر بحث دنبال بفرمایید به نتایج میرسید که ما چون موضوع بحثمان علم هیئت است و علم هیئت در مورد کم متصل متحرک است و میخواهیم در استخراجات هیویی از براهین استفاده کنیم و نمیخواهیم از حرفهای مشهودی و خطابی و ... این حرفا جایش اینجا نیس

باید لحظه به لحظه با دلیل حرف بزنید و هیچ چیز را بدون دلیل نمیتواند بازگو کنیم و با دلیل و برهان بخواهید حرف بزنید باید یقین اور باشد و برایتان حق را و واقعیت را بیاورد پس لابد نیازمندی به استدلال های مربوط به علم هندسه هستید وقتی میخواهید بروی در علم هیئت و از اشکال هندسی استفاده کنی چه از مثلثات مستوی و چه کروی که مثلثات مستوی و کروی مبدا برای تمام اشکال هندسی است و لذا در دروس معرفت وقت و قبله اقا درس چهارم، ابتدای تمام مباحث را آوردند بنا گذاری کردند روی یک مثلث قائم الزاویه، اونم مثلثی که خواستند کار را شروع کنند در تمام اشکال هندسی آمدند از مثلث قائم الزاویه شروع کردند نه از مثلث مختلف الزوایا که لااقل یک زاویه قائمه داشته باشید که بعداً بتوانید بحث جیب و زیب و تانژانت و کتانژایت و ... مسایل دیگر همه بیاید و علاوه بر ان قبلها در زمان های قدیم از [1000](#) سال به اون طرف یا ده هزار سال ... آنها روی شکل قطاع کار میکردند همان شکلی که بیش از نیم میلیون شکل ازش استخراج میشد که خواجه نصیرتوسی یک کتابی نوشته که چاپ هم شده و بعدها این ها عوض شد و از شکل قطاع آمد به شکل ظلی و مقنی و با فروعاتش بیان شد که کار شکل قطاع را هم میکنند مع الاضافه.

و راه را نزدیک تر طی میکند و ان پیچیدگی شکل قطاع را در هم مینوردد

بعد از انجا آمدند کار را از مثلث قائم الزاویه شروع کردند. خب چه ما بخواهیم مثلث قائم الزاویه را از سطح مستوی و چه از سطح مستدیر شروع کنیم و هر دو میشود بحث هندسه و بحث هندسه میشود کم متصل ساکن اما علم هیئت راجع به کم متصل غیر ساکن است بخواهیم بدون مثلثات هندسی وارد علم هیئت شویم دست ما تهی میشود چون در علم هیئت بیشتر براهینش مبتنی بر هندسی است و پس چکار کنیم؟

آمدند در علم هیئت دیدند که کرات که متحرکند, زمین حرکت انتقالی و وضعی دارد خورشید هم یک حرکت خاصه در فلک چهارم دارد که در دایره منطقه البروج و دیگر ستاره ها زحل و مریخ و عطارت و مشتری سیاراتی معروف هستند و غیر معروف هم دارای حرکتند و ستارگان ثوابت هم متحرکند و هیچ چیز ساکن نداریم و همه چیز متحرک است

پس در علم هیئت داریم میرویم سمت کرویاتی که هیچ کره ثابتی نداریم و نیازمند استدلال های برهانی هستیم که در مقدمات برهانی و اشکال برهانیمان نیاز به اشکال ثابت داریم و از اون طرف هم نیازمند علم هندسه ایم و از اینجا آمدند به این فکر افتادند که ما باید در علم هیئت علاوه بر اینکه دنبال کم متصل متحرکیم باید یک کم متصل ساکن و ثابت هم بدست آوریم ولو که در متن خارج نداریم اما باید فرضش را بکنیم که ما را در مقام استخراج این فرض دچار اخلال هم نشود

یه وقتی انسان یه فرضی میکند که فرضش در نتایج قیاساتش اخلال روی میاورد که اون فرض را نمیشود کرد اما یک فرضی که اخلال رو نیاورد و مشکل نباشد و لذا از اینجا آمدند بفکر دو نکته افتادند نه اینکه بلد نبودند که بگویند میخواهند آسمان محوری شویم. میتوانند آسمان محوری شوند از قدام آمدند ارزش را به

انسان دادند وانگهی من و شما میم که میخواستیم این رشته علمی را
ابتکاراً ایجادش کنیم

که در جلسات قبل گفته شد که علم هیئت و نجوم حساب و...
ادریس نبی از ناحیه وحی تبیین کرد و نشون میده که مبدا
و حیانی دارند و حالا یک عده ای آمدند از این کمره قضیه و وسط
راه ملحق شدند و علمی که هزاران سال دانشمندان برایش زحمت
کشیدن اون دانشمندی هم که زحمت کشیدن از شاگردان انبیا
گذشته بودند و آمدند و از کمره راه وارد شدند و اون ریشه های
اصلی رو هم پیدا نکردند و آمدند استناد دادند به اونهایی که
متصل به وحی نیستند. و میگویند بشر که این همه استخراجات
دارد چه نیاز به وحی دارد

و نمیداند اینها رو هم از وحی دارد

کی حالیش میشود در مورد تاثیر حروف حرف بزند؟ کی حالیش
میشود در مورد تاثیر اعداد حرف بزند؟ کی میتواند سر در بیاورد
که اعداد ارواحاً و حروفاً اجساداً اینها را کی القا کرد؟ که اینهمه در
مورد این رابطه ها کتاب ها نوشتند؟ که کتابخانه های عالم پر شده
و لذا نه اینکه نمیشد که اسمان محوری شوند که نشدند و زمین
محوری شدند که علم هیئت الان زمین محوریست و این منظورش
این نیست که الان بگویند اسمان محوری شویم مخالف باشیم که
الان علم هیئت را دارند اخیراً اسمان محوری میکنند، مشکل ندارد
این فریضه که به عرضتان رساندیم این زیر سرفرضیه است هم
میتوانیم اسمان محوری و هم زمین محوری شویم و اونچه زمین
محوری هادر علم نجوم و هیئت گفته اند به خصوص در علم هیئت
هیچ تفاوتی با اسمان محوری ها پیش نیاید البته این تفاوت در
رابطه با برخی از نکات پیش میاید و این نه اینکه اونها متوجه اون
پشت پرده نبودند چون میخواستیم رابطه بین علم هیئت و هندسه
را که یکی موضوعش کم متصل متحرک و دیگری کم متصل ساکن
است ارتباط برقرار کنند یک ساکنی را در علم هندسه به میان
آوردند و بحث تناهی ابعاد را هم به میان آوردند
از قدام دیدند بحثشان خیلی سنگین است و افراد به راحتی

نمیتوانند هیئت و ریاضیات را که برهانیات صرف عقلی است
مشکل دارند از اینجا آمدند این هیئت را تنزیلش کردند به صورت
هیئت مجسم (تجسیمی) درآوردند که این هیئت مجسم تنزل یافته
از هیئت علمی است اون هیئت که شعب ریاضیات هست جنبه
علمی است که تقلیل دادند به صورت هیئت تجسیمی
درآوردند، چرا؟ چون اگر به شکل تجسیم در نیاورید که الان تمام
استخراجات که میشود و حتی استخراجات غربی که الان به
صورت سی دی آمده حتی اینها رو هیئت مسجم کار کردند و غربی
ها فهمیدن که دانشمندان قدما از اسلام و قبل اسلام که هیئت
مجسمه را در تعلیم مبنا قرار دادند فهمیدن بهترین راه همینه، اینا
اومدن از این هیئت مجسمه این راه را طی کردند و نتایج را
متفرع کردند بر احکام نجومی و هیویی
روی این اساس آمدند وارد بحثی به نام کرات شدند.

@ro64doroseheyat